

نقش انگیزه در تحقق جرم و میزان مجازات در حقوق ایران

محمد قلی‌زاده سلطان‌آبادی^۱، محمد صفری^۲، حمیدرضا محمدزاده مهنه^۳، روح‌اله شادمان فخرآبادی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۸

چکیده

زمینه و هدف: یکی از عناصر لازم برای تحقق جرم عنصر معنوی است یعنی فعل و انفعالات ذهنی مرتکب که دارای اجزائی از قبیل علم به حکم و موضوع؛ سوء نیت عام و سوء نیت خاص؛ و انگیزه است. انگیزه که گاهی از آن به داعی، باعث و غرض تعبیر می‌شود عبارت است از عوامل درونی مانند حسد، عشق، انتقام، لذت طلبی، شهرت طلبی، عدالت خواهی و... که هدف نهایی از ارتکاب جرم است و مرتکب را به سوی ارتکاب جرم سوق می‌دهد. در واقع می‌توان گفت انگیزه عامل حرکت و انجام کار است.

روش: این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای می‌کوشد تا آموزه‌های کیفی در رابطه با انگیزه در تحقق جرم مسئولیت کیفری و مجازات‌ها را از منظر مکاتب گوناگون بررسی کند.

یافته‌ها و نتایج: در این پژوهش ضمن اشاره‌ای به عنصر معنوی و ارکان آن به‌طور ویژه به انگیزه می‌پردازد در پایان با بررسی و تکیه بر نظرات علمای حقوق جزا تبیین می‌شود که انگیزه در تحقق جرم هیچ تأثیری ندارد و رابطه میان انگیزه سوء و سوء نیت خاص را می‌توان رابطه عموم و خصوص مطلق دانست. با این توضیح که هرگاه انگیزه مجرمانه خاصی را قانون‌گذار جزء ارکان جرم قرار داده باشد، سوء نیت خاص تلقی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: عنصر معنوی؛ انگیزه؛ جرم؛ مجازات؛ حقوق موضوعه.

۱. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات اجتماعی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. تهران. ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه:

m.gholizadeh149@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری جرم‌پایی. دانشگاه علوم انتظامی امین. تهران. ایران. رایانامه:

Safarim143@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند. ایران. رایانامه:

Clyhmm@gmail.com

۴. کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران. ایران. رایانامه:

rshadman85@gmail.com

مقدمه

یکی از مفاهیمی که در حقوق جزا بحث و بررسی می‌شود، انگیزه است؛ البته انگیزه در علوم روان‌شناسی و جرم‌شناسی هم مطالعه می‌شود و عبارت است از تمایل و شوق برای ارتکاب جرم در مجرم؛ به نحوی که مجرم برای رسیدن به آن تصمیم به ارتکاب جرم می‌گیرد. در حقوق جزا اصل بر این است که انگیزه در تحقق جرم و تعیین نوع میزان مجازات هیچ تاثیری ندارد و این به جهت دلایلی چون حفظ مصلحت اجتماع و تقدم آن بر منافع فردی است (زاهدی، ۱۳۹۲، ص ۱۲). اصطلاحات قصد و انگیزه در حقوق جزا شبیه مفاهیم علت و جهت در حقوق مدنی هستند، همان‌طور که از «جهت» به امری تعبیر شده که معامله‌کننده برای رسیدن به آن معامله را انجام می‌دهد (شامبیاتی، ۱۳۸۷، ص ۴۰۹). در حقوق جزا نیز به کوشش درونی و میل پنهانی فرد که انسان را به سوی عمل خاصی هدایت می‌کند انگیزه گویند. در حقوق کیفری از انگیزه به «سبب»، «علت» و «داعی» نیز تعبیر شده است (اردبیلی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۰).

کثرت اندیشه‌های فردگرایانه اخیر، خواه ناخواه قانون‌گذاران را به سوی تشریح و تقنین قوانین و مقرراتی منطبق با تفکرات نو و خواسته اجتماع هدایت نموده و سیاست جنایی را در طریقی که متضمن عنایت کامل به شخصیت مجرمان و البته بیشتر میل به هدف ذهنی مجازات، یعنی اجرای عدالت باشد، سوق داد. در نتیجه این اندیشه‌های جدید در رابطه با سوء نیت و انگیزه دو طرز تفکر ارائه شده است: الف) دانشمندان مکتب کلاسیک، معتقدند که انگیزه نباید تاثیری در زوال مسئولیت داشته باشد و آنان عقیده دارند آنچه در تحقق جرم واجد اهمیت است همان عمد و اراده مجرمانه است. درواقع در تعیین مسئولیت بیشتر به عمل ارتكابی توجه دارند تا به مرتکب. ب) برعکس طرفداران مکتب تحقیقی، معتقدند آنچه برای جامعه و نظم آن خطر دارد، همان شخصیت مجرم است نه عمل ارتكابی. و چون انگیزه یکی از عوامل تعیین‌کننده شخصیت است، بنابراین به طور منطقی نباید در تحقق

جرم از آن چشم پوشید. طبق اصل کلی، هرچند انگیزه در تحقق جرم تاثیر ندارد، اما در مواقعی با وصف آنکه ارکان سه گانه جرم محقق است، ولی انگیزه باعث می‌شود که وصف مجرمانه از عمل گرفته شود و یا به عملی وصف مجرمانه داده شود.

در شرع انور و قانون موضوعه در باب علل موجهه جرم موارد عدیده‌ای دیده می‌شود. تطبیق مجازات با شخصیت واقعی و حقیقی مجرمان، یکی از هدف‌های پیشرفته حقوق جزا است که با تشکیل پرونده شخصیت که از پیشنهادهای مکتب دفاع اجتماعی نوین است عملی می‌شود؛ بنابراین، تاثیر انگیزه در اعمال مجازات غیر قابل انکار است. نقش انگیزه با توجه به شرافتمندانه یا نامشروع بودن در ارتکاب جرم در اعمال مجازات، تخفیف و یا تعلیق مجازات در قوانین موضوعه از جایگاه خاصی برخوردار است و قوانین موضوعه به صراحت به آن اشاره کرده‌اند. از جنبه عملی نیز رویه محاکم با توجه به حداکثر و حداقل مجازات، در عمل انگیزه مجرم در ارتکاب جرم را، در تعیین مجازات مدنظر قرار می‌دهند و نیز در زمینه استرداد مجرمان، انگیزه باعث شده بعضی از جرائم آنها قابل استرداد یا غیر قابل استرداد باشند. مقنن ایران نیز با بهره‌گیری از دو نظام فکری اسلام و اندیشه‌های کیفری غربی، انگیزه را در مواردی در تحقق جرم و میزان مجازات موثر تلقی کرده است (مهدی ثابت، ۱۳۷۶).

بین علت و انگیزه تفاوت وجود دارد و بهتر است در این خصوص قائل به تفکیک شد؛ در عنوان این پژوهش نیز به‌منظور قابل فهم بودن رویکرد علت‌شناختی پژوهش، از واژه علل و انگیزه استفاده می‌شود ولی امروزه به‌طور معمول علل و انگیزه‌های قتل عمد تبیین می‌شود. به هر ویژگی فردی یا اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی که در به وجود آمدن و شکل‌گیری و افزایش جرم، نقش موثری ایفا نماید، عامل گویند. بدیهی است عامل فقط زمینه بزهکاری را فراهم می‌کند و وجود آن به منزله قطعیت در تحقق جرم نیست دلیل این نظر نیز تاثیر، مساوی نداشتن شرایط و عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی یکسان بر روی افراد است که تحت تاثیر آن شرایط و عوامل به‌سر می‌برند. به عبارت دیگر، بعضی به‌سوی بزهکاری روی آورده و برخی افراد سازگار، افراد بسیار موفق می‌شوند (کی‌نیا، ۱۳۸۸، ص ۶۱).

با توجه به هدف اصلی پژوهش که بررسی نقش انگیزه در تحقق جرم و میزان مجازات در حقوق ایران است، پرسش اصلی این است که «نقش انگیزه در تحقق جرم و میزان مجازات در حقوق ایران» چگونه است و در ادامه به سوالات فرعی ذیل پاسخ می‌دهد: رابطه انگیزه با جرائم مطلق و جرائم مقید و جایگاه انگیزه در حقوق موضوعه ایران چیست؟، نقش انگیزه در شرکت و معاونت در جرم و تفاوت قصد و عمد با انگیزه چیست؟، نقش انگیزه در تحقق جرم، میزان مجازات، اعمال کیفیت مخففه و تعلیق مجازات چیست؟

مبانی نظری

از یک دید کلی، جرم شامل رفتاری است مخالف نظم اجتماعی که مرتکب آن را در معرض مجازات یا اقدامات تامینی (تربیتی، مراقبتی و درمانی) قرار می‌دهد. در واقع جرم رفتار مخالف نظم اجتماعی (واقعیت اجتماعی) یک انسان (واقعیت انسانی) علیه جامعه است (گلدوزیان، ۱۳۷۶، ص ۱۸۳). طبق قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم عبارتست از هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد (ماده ۲ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲).

از نظر مفهومی (نظری)، جرم دو معنا دارد که عبارتند از: الف) معنای موسع، ب) معنای مضیق. در معنی موسع، جرم عملی است که برخلاف هنجارهای اجتماعی و مخالف نظم اجتماعی باشد، در معنی مضیق جرم در واقع مفهوم مجرد حقوقی جرم مطرح می‌شود که عبارت است از: فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد (گلدوزیان، ۱۳۹۱). پدیده جرم، یک موضوع بسیار قدیمی در جوامع بشری بوده و هست؛ اما باید اذعان داشت که این پدیده در هر جامعه و در هر مسلکی به گونه‌ای خاص تعریف و تصریح می‌شود. از جمله این تعاریف، تعاریفی هستند که جامعه‌شناسان و حقوقدانان درباره آن بیان کرده‌اند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ص ۲۳ و استرکی و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۲۰). بنابراین از دیدگاه جامعه‌شناسی جرم پدیده‌ای است ضد اجتماعی که موجب اختلال در نظم

و امنیت جامعه و کشور می‌شود و حفظ حقوق جامعه در قبال تجاوز و در عین حال پاسداری از حقوق فردی وظیفه حقوق جزا و قانون است (ربیعی، ۱۳۸۴، ص ۱۴). دورکیم جامعه‌شناس فرانسوی می‌گوید «هر عملی که درخور مجازات باشد، جرم است» یعنی هر فعل یا ترک فعلی که نظم و آرامش اجتماعی را مختل سازد و قانون نیز برای آن مجازاتی تعیین کرده باشد، «جرم» محسوب می‌شود. به نظر دورکیم، ما کاری را به خاطر «جرم» بودن محکوم نمی‌کنیم بلکه از آن جایی که آن را محکوم می‌کنیم جرم تلقی می‌شود (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶، ص ۳۳).

پدیده جرم یکی از بزرگترین مشکلات اجتماعی و از خطرناک‌ترین آفت‌های ممکن است، با مروری بر تاریخ درمی‌یابیم پیشگیری از جرم در تاریخ بیشتر به مفهوم پیشگیری از تکرار جرم بوده نه پیشگیری از وقوع جرم. هرگونه اقدام پیشگیرانه باید بر طبقات خاصی از جرائم متمرکز باشد زیرا انگیزه‌ها و شیوه‌های اقدام بزهکاران ممکن است حتی برای جرائمی که در ظاهر مشابه هم به نظر می‌رسند بسیار متفاوت هم باشند (قجاوند، ۱۳۸۸، ص ۴۲).

از نظر حقوقی نیز «جرم عملی است که برخلاف یکی از موارد قانون مجازات عمومی هر کشور باشد و مجرم کسی است که در زمان معینی عمل او بر خلاف قانون رسمی کشور باشد؛ اما از نظر قانون «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود» (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی) (کی‌نیا، ۱۳۷۴ و استرکی و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۵۹).

عنصر معنوی: در حقیقت همان فعل و انفعالات ذهنی مرتکب است. جرائم بر حسب عنصر معنوی به جرائم عمدی و غیرعمدی تقسیم‌بندی می‌شوند. اجزای عنصر معنوی عبارتند از علم (علم به حکم و علم به موضوع)؛ سوءنیت (عام و خاص) و انگیزه (عرب، ۱۳۹۴).

انگیزه: انگیزه در لغت به معنای سبب، باعث، علت و آنچه کسی را به کاری برانگیزد تعریف شده است (عمید، ۱۳۸۶، ص ۳۷) و در اصطلاح به نفع یا امتیازی که فاعل جرم را ترغیب به ارتکاب جرم می‌کند، انگیزه گویند (شامبیاتی، ۱۳۸۷، ص ۴۰۸). انگیزه سود و

منفعتی است که انسان به خاطر آن رفتاری (عنصر مادی) را انجام دهد. در حقوق جزا نیز به کوشش درونی و میل پنهانی فرد که انسان را به سوی عمل خاصی هدایت می‌کند انگیزه گویند. در حقوق کیفری از انگیزه به «سبب»، «علت» و «داعی» نیز تعبیر شده است.

انگیزه در دیدگاه اساتید حقوق: درخصوص انگیزه تعاریف متعددی ارائه شده است:

مرتضی محسنی: کوشش درونی و میل پنهانی که انسان را به سوی عمل خاصی هدایت می‌نماید.

دیو و واب: نفع یا احساس خاصی که مرتکب را به سوی ارتکاب جرم خاص سوق می‌دهد.

عبدالحسین علی‌آبادی: مقصد نهایی که از طرف فاعل جرم تعقیب می‌شود.

مهدی کی‌نیا: علت غایی یا هدف یا مقصد نهایی مورد نظر فاعل جرم.

محمد باهری: هدفی که در پشت عملی نهفته است.

براساس مکتب کلاسیک آنچه برای جامعه اهمیت دارد، همان حفظ نظم عمومی است و هرگاه کسی این نظم را به هم بزند، صرف‌نظر از انگیزه نهایی مسئول و مجرم است (محسنی، ۱۳۷۵، ص ۲۱۵). در آراء پیروان این مکتب، عمد و انگیزه دو مقوله جدا از یک‌دیگرند، عمد ذاتاً نتیجه‌ی بلافصل فعل مرتکب است ولی انگیزه هدف غایی و بعید عمل وی است (اردبیلی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۱). طرفداران این مکتب صرف وقوع قتل را برای اجرای مجازات کافی می‌دانند، هرچند انگیزه‌ی فرد، ترحم، فقر و مانند آن باشد.

اما در مکتب تحقیقی، عمد اراده‌ای مجرد و جدا از احساسات باطنی فرد تلقی نشده، به اعتقاد پیروان این مکتب عمد، اراده‌ای است که تحت تأثیر انگیزه یا داعی بزهکار شکل می‌گیرد، به همین خاطر در احراز سوءنیت، انگیزه نیز باید ارزیابی شود و فقط در صورتی که انگیزه ضد اجتماعی تشخیص داده شود، عمل قابل مجازات است؛ این نظریه مقبول قانون جزای سال ۱۹۳۰ ایتالیا (ماده ۱۲۳) و قانون جزای سال ۱۹۳۷ و سوئیس (ماده ۶۳) قرار گرفته است.

این اشکال به مکتب تحقیقی گرفته شده که قبول این فرضیه خلاف مصلحت اجتماعی است، زیرا هدف از جرم تلقی کردن یک عمل، حمایت از حقی است که در مقابل آن عمل نادیده گرفته شده است و اگر حقی مورد تعدی قرار بگیرد، باید به خاطر همین تعدی و صرف‌نظر از

انگیزه و هدف غائی شخص مرتکب عمل، مورد مجازات قرار بگیرد. قانون جزای ایران نیز مانند قانون فرانسه از مکتب کلاسیک پیروی و اصولاً انگیزه را به‌جز در موارد استثنایی، نه در تحقق جرم و نه در میزان مجازات مؤثر نمی‌داند.

رابطه انگیزه با جرائم مطلق و جرائم مقید

قانون‌گذار می‌تواند در انواع جرائم، عنصر انگیزه را بگنجانند اعم از اینکه مطلق باشند یا مقید؛ در هر دو نوع جرائم مطلق و جرائم مقید ممکن است انگیزه شرط باشد:

الف- جرائم مطلق بدون دخالت انگیزه: مثال: جرم موضوع ماده ۵۲۴ ق.م.ا در جعل که می‌گوید جعل احکام، امضاء و مهر مقام رهبری یا رؤسای قوای سه‌گانه جرم است. ماده ۵۲۴ قانون مجازات اسلامی: «هرکس احکام یا امضاء یا مهر یا فرمان یا دستخط مقام رهبری و یا رؤسای سه قوه را به اعتبار مقام آنها جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال نماید به حبس از سه تا پانزده سال محکوم خواهد شد». همان‌طور که ملاحظه می‌شود تحقق این جرم با هر انگیزه‌ای صورت پذیرد فرقی ندارد و جرم محقق خواهد بود. پس موضوع این ماده جزو جرائم مطلق است که انگیزه در تحقق آن دخیل نیست.

امروزه با توجه به گسترش جرائم در حوزه‌های مختلف توجه ویژه‌ای به این مسائل شده و مسئولان با تقسیم‌بندی جرائم به مطلق و مقید میان انواع جرائم تفاوت قائل شده‌اند. به‌طور کلی در حقوق کیفری هر جرمی به صورت جداگانه تعریف و عناصر و شرایط تشکیل‌دهنده آن بررسی می‌شود که این امر سبب تمیز و تفکیک جرائم از یکدیگر می‌شود. حقوقدانان بیشتر در تقسیم‌بندیهای خود از جرائم، به آثار زیان‌بار فعل مجرمانه توجه کرده، جرائمی را که خسارت‌های حاصل از آنها به‌طور کلی دارای جهت مشترکی است، در یک گروه جای داده‌اند. ضابطه تشخیص جرائم مطلق و مقید در نیاز داشتن و عدم نیاز جرائم به نتیجه است یعنی اگر جرمی نیاز به نتیجه داشته باشد مقید نامیده می‌شود و اگر نیاز به نتیجه نداشته باشد مطلق خواهد بود. گاهی مشاهده می‌شود که منوط و موکول بودن جرم به وقوع و تحقق

رفتار مادی (فیزیکی) آن، به‌عنوان اصلی‌ترین بخش از رکن مادی جرائم ملاک تشخیص جرائم مقید از مطلق معرفی شده است؛ که این رویکرد غلط در نظرات برخی از مسئولان هم مشاهده می‌شود. در صورت پذیرش این ملاک نادرست، همگی جرائم مقید تلقی می‌شوند و صحبت از جرائم مطلق بی‌معنی بوده، زیرا بدیهی به نظر می‌رسد تحقق همه جرائم منوط به وقوع رفتار مادی آنهاست (جیشانیور، ۱۳۹۵، ص ۱).

ب- جرائم مطلق که در آنها انگیزه شرط است: مثال: جرم موضوع ۴۹۸ ق.م.ا در تشکیل یا اداره جمعیت. ماده ۴۹۸ قانون مجازات اسلامی: «هرکس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو ماه تا ده سال محکوم می‌شود». این جرم مطلق است و به نتیجه‌ای نیاز ندارد اما انگیزه در آن شرط است و آن برهم زدن امنیت کشور است.

ج- جرائم مقید بدون دخالت انگیزه: مثال: جرم موضوع ماده ۲۰۶ ق.م.ا در قتل. قتل عمد با هر انگیزه‌ای صورت گیرد تأثیری در وقوع ندارد و جرم محقق شده است. ماده ۲۰۶ ق. مجازات اسلامی: «قتل در مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد، هرچند قصد کشتن شخص را نداشته باشد عمدی است».

د- جرائم مقیدی که در آنها انگیزه شرط است: مثال: این مورد یعنی جرائم مقید به نتیجه همراه با انگیزه، از لحاظ عقلی ممکن است. مثلاً اگر قانون‌گذار بگوید هرکس به انگیزه ارث بردن پدر خود را بکشد به جرم مقید همراه با انگیزه اشاره کرده است؛ اما به نظر می‌رسد مصداق قانونی در ق.م.ا در این مورد وجود ندارد؛ انگیزه امری نسبی است. نکته‌ای که باید مدنظر قرار داد این است که انگیزه امری نسبی است و امکان این وجود دارد که در پس هر انگیزه‌ای انگیزه‌های دیگری نیز وجود داشته باشد.

مثال: در ماده ۴۹۸ ق.م.ا که انگیزه برهم زدن امنیت کشور است، ممکن است شخص انگیزه‌ای هم از برهم زدن امنیت داشته باشد مانند به دست گرفتن قدرت سیاسی و شاید از

به دست گرفتن قدرت هم انگیزه کسب مال یا انگیزه‌های دیگری داشته باشد. ماده ۴۹۸ ق.م.ا: «هرکس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو ماه تا ده سال محکوم می‌شود».

معیارهای احراز جرائم مطلق و مقید: یکی از تقسیم‌بندی‌های جرم که از نظر نتیجه جرم توسط حقوق‌دانان انجام گرفته است، تقسیم به جرائم مطلق و مقید است. به تقریر و تحریر نویسندگان، جرم مقید به نتیجه (به اختصار، جرم مقید) جرمی است که در آن حصول نتیجه شرط وقوع جرم است مانند قتل و در مقابل، جرم مطلق یا رفتاری یا صوری جرمی است که صرف رفتار مقرر، برای وقوع جرم و ترتب مجازات (با عنایت به وجود سایر شرایط، بدون نیاز به حصول نتیجه) کافی است خواه نتیجه حاصل شود یا نه، مانند جعل.

موضوع نوشتار حاضر این است که معیار تشخیص جرائم مطلق و مقید را چگونه باید ارزیابی کرد تا در این تقسیم‌بندی دچار اشتباه نشود؛ اگر مبنای تقسیم‌بندی یادشده، صرف حصول یا عدم حصول نتیجه باشد، ظاهراً همان تقسیم‌بندی بالا در سید قرار می‌گیرد ولی علاوه بر معیار نتیجه با قرار دادن ضابطه تقدم - تاخر یا هم‌زمانی بین رفتار و نتیجه، موجب می‌شود که دسته سوم از جرائم در کنار جرم مطلق و مقید قرار گیرد و آن جرائم بینابین یا ترکیبی یا آمیزه‌ای هستند. این دسته سوم که بخش وسیعی از جرائم، به‌ویژه جرائم اموال و اشخاص را دربر می‌گیرد جرائمی هستند که در آن رفتار با نتیجه هم‌زمان یا به گونه‌ای تفکیک‌ناپذیر در کنار هم اتفاق می‌افتند، به عبارتی چون سکه‌ای هستند که رفتار یک روی و نتیجه بر صورت دیگر آن قرار دارد. بنابراین جدا از هم قابل تحقق نیستند به طوری که اگر رفتار آمد به طور قطع نتیجه هم می‌آید؛ مانند جرائم سرقت، تخریب، انتقال مال غیر؛ به محض ربودن، رفتار اتفاق افتاده و در همان حال نتیجه هم نمود پیدا کرده بنابراین این دسته را نه باید جرم مطلق دانست و نه جرم مقید. مهم‌ترین ره‌آورد کاربردی این تقسیم‌بندی در شروع به جرم و چگونگی انصراف فاعل از ارتکاب آن، رخ می‌نماید (غفاری چراتی و اکرادی، ۱۳۹۵، ص ۱).

جایگاه انگیزه در حقوق موضوعه ایران: به عقیده بسیاری از حقوق‌دانان، حقوق جزا که موضوع آن تعریف کنش‌های ضد اجتماعی (جرم) و تعیین واکنش‌های اجتماعی در قالب مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی برای هریک از این کنش‌ها است، به انگیزه افراد در ارتکاب جرم، هیچ توجهی ندارد. در حالی که هدف حقوق جزا از تهدید به مجازات و یا اجرای آن و نیز اقدامات تأمینی و تربیتی نسبت به اعمال مجرمانه، در واقع پیشگیری از این اعمال و برقراری عدالت و تضمین نظم عمومی است که البته در راه نیل به هدف خواستار انطباق این واکنش‌های اجتماعی (مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی) با شخصیت واقعی هریک از مرتکبان است، بنابراین نمی‌تواند به طور کامل به انگیزه شخص در ارتکاب جرم بی‌توجه باشد. بررسی و مداخله قوانین جزائی این واقعیت را هویدا می‌سازد که مقنن در موارد عدیده‌ای انگیزه مرتکب را چه در احراز و تحقق جرم و چه در تعیین مجازات و ضمانت اجرای کیفری مدنظر قرار داده است که البته این امر به هیچ وجه نه تصادفی بلکه نتیجه مباحثات و مجادلات فراوان صاحب‌نظران در این خصوص بوده است.

بحث در خصوص اینکه، وجود انگیزه در ارتکاب جرم، چه نقشی در تعیین میزان مجازات مرتکب جرم دارد؟ آیا مجازات او را تشدید یا باعث تخفیف مجازات وی می‌شود؟ و یا در بحث دادرسی اصلاً انگیزه نقشی ایفا می‌کند یا خیر؟ آیا انگیزه در روند دادرسی کیفری تأثیرگذار است؟، مسائلی است که در این پژوهش بررسی قرار خواهد گرفت.

نقش انگیزه با توجه به شرافتمندانه یا نامشروع بودن در ارتکاب جرم در اعمال مجازات، تخفیف و یا تعلیق مجازات در قوانین موضوعه از جایگاه خاصی برخوردار است و قوانین موضوعه به‌صراحت به آن اشاره کرده‌اند. از جنبه عملی نیز رویه محاکم با توجه به حداکثر و حداقل مجازات، در عمل انگیزه مجرم در ارتکاب جرم را، در تعیین مجازات مدنظر قرار می‌دهند؛ به عبارت دیگر وجود انگیزه در ارتکاب جرم در تعیین مجازات مرتکب جرم نقش اساسی دارد و گاهی موجب تشدید یا باعث تخفیف مجازات می‌شود (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۱).

قانون‌گذار جزایی در ایران، انگیزه ارتکاب جرم را علی‌الاصول در ماهیت فعل مجرمانه بی‌تاثیر دانسته است. بنابراین منظور نهایی یا هدف نهایی یا انگیزه فاعل در ارتکاب فعل هرچه باشد تاثیری در تصمیم و ارتکاب جرم توسط مرتکب ندارد. در سیستم کیفری ایران دادرس ناگزیر است برای تعیین سوء نیت کیفری و میزان آن توجه خود را فقط به قصد سوء فاعل معطوف دارد؛ گفته شد انگیزه در تشکیل جرم هیچ اثری ندارد، آیا در حقوق جزا به کل اثری دیگر هم نباید بر آن قائل شد؟ درست است که انگیزه در تحقق جرائم تاثیری ندارد ولی از آن‌جا که چشم‌پوشی از این عامل هم صحیح نیست خود مقنن در اصلاحات سال ۱۳۵۲ وجود انگیزه شرافتمندانه را یکی از موارد تخفیف مجازات دانسته است.

ماده ۴۵ قانون مجازات عمومی به هنگام احصاء موارد تخفیف مجازات در بند ۳ به صراحت اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تاثیر آنها مرتکب جرم شده است از قبیل رفتار تحریک‌آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم را از موارد تخفیف مجازات محسوب کرده است. در قانون مجازات اسلامی قانون‌گذار به قاضی این اجازه را داده است که بتواند با توجه به علل و جهاتی مانند «انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم» (بند ۳ ماده ۲۲ ق.م.ا) میزان مجازات را تخفیف دهد. توجه قاضی به انگیزه مجرم در تعیین میزان مجازات منحصر به مورد اخیر نیست، در مواردی که قانون‌گذار مجازات بین حداقل و حداکثر تعیین کرده است، انگیزه ارتکاب جرم ممکن است در شدت یا ضعف مجازات و در نهایت حکم قاضی تاثیر بگذارد.

تاثیر انگیزه را بر تصمیم قاضی در مواردی که حکم به تعلیق مجازات صادر می‌کند نیز نمی‌توان انکار کرد (ماده ۲۵ ق.م.ا)؛ قانون‌گذار با تعبیر عام «اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است» (بند ب ماده ۲۵ ق.م.ا) به قاضی اجازه داده است که در ضمن توجه به وضع عینی رویداد جنایی و میزان تاثیر عوامل گوناگون در ارتکاب جرم برای تحقق اهداف تاسیس تعلیق مجازات، وضع نفسانی بزهکار را در نظر بگیرد.

ماده ۲۵ ق.م.ا: «در کلیه محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده حاکم می‌تواند اجرای تمام یا

قسمتی از مجازات را با رعایت شرایط زیر از دو تا پنج سال معلق نماید: الف. محکوم علیه سابقه محکومیت قطعی به مجازات‌های زیر نداشته باشد:

۱- محکومیت قطعی به حد؛ ۲- محکومیت قطعی به قطع یا نقص عضو؛ ۳- محکومیت قطعی به مجازات حبس بیش از یک سال در جرائم عمدی؛ ۴- محکومیت قطعی به جزای نقدی به مبلغ بیش از دو میلیون ریال؛ ۵- سابقه محکومیت قطعی دو بار یا بیشتر به علت جرم‌های عمدی با هر میزان مجازات.

ب- دادگاه با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم شده است، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را مناسب نداند.

انگیزه و شرکت در جرم: در شرکت در جرم ممکن است انگیزه مرتکبان از انجام یک عمل مجرمانه یکسان باشد یا متفاوت. به طور مثال: ضرب و جرح شخص (ج) توسط شخص (الف) و شخص (ب) در یک زمان انجام شده، ولی انگیزه شخص (الف) انتقام بوده و انگیزه شخص (ب) از ضرب و جرح، کارافتادگی شخص (ج) برای مدتی جهت عدم حضور در مسابقه ورزشی که شخص (ب) نیز در آن مسابقه شرکت خواهد نمود بوده است. انگیزه تقویت افراد برای دستیابی به سطوح بالای عملکرد و غلبه بر موانع برای تغییر است. انگیزه، عامل کنترل‌کننده راهنمایی، کنترل و پایداری در رفتار انسانی است. چه چیزی رفتار انسان را تقویت می‌کند؟ چه چیزی این رفتارها را هدایت کرده یا آنها را در یک جهت خاص می‌راند؟ چه چیزی رفتار را برجسته ساخته یا حفظ می‌کند؟ پژوهشگران براساس اهمیت انگیزه، نشان داده‌اند که افرادی که انگیزه شغلی زیادی دارند، تعهد شغلی بیشتری نیز خواهند داشت، از طرف دیگر، افرادی که احساس تعهد بیشتری نسبت به شغل خود دارند، حتی اگر همه چیز آن‌طور که می‌خواهند پیش نرود، اثر این مسئله کمتر می‌شود؛ و همچنین انگیزه در علوم روان‌شناسی و جرم‌شناسی هم مورد مطالعه قرار گرفته است و به عبارت است از تمایل و شوق برای ارتکاب جرم در مجرم، به نحوی که مجرم برای رسیدن به آن تصمیم به ارتکاب جرم می‌گیرد. در حقوق جزا اصل بر این است که انگیزه در تحقق

جرم و تعیین نوع میزان مجازات هیچ تأثیری ندارد و این به جهت دلایلی چون حفظ مصلحت اجتماع و تقدم آن بر منافع فردی است (هوشی و رزل، ۱۳۹۴، ص ۱).

انگیزه و معاونت در جرم: در معاونت در جرم ممکن است انگیزه شخص معاون با شخص فاعل عمل مجرمانه یکسان باشد یا متفاوت. برای تحقق معاونت در جرم وجود وحدت قصد و تقدم و یا اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشر جرم شرط است اما وجود انگیزه مشترک شرط نیست.^۱ از جمله مباحث مهم حقوق کیفری بررسی نقش انگیزه در وقوع جرم و مسئولیت کیفری و مجازات است. انگیزه که گاه از آن به‌عنوان غرض یا هدف خاص ارتکاب جرم یاد می‌شود، نقش موتور محرکه رفتار مجرمانه را اجرا می‌کند.

روش

این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شد تا آموزه‌های کیفری در رابطه با انگیزه در تحقق جرم مسئولیت کیفری و مجازات‌ها را از منظر مکاتب گوناگون بررسی کند.

یافته‌ها

براساس نتایج حاصل از پژوهش، در حقوق جزا، اصل بر این است که انگیزه در تحقق جرم و تعیین نوع و میزان مجازات هیچ تأثیری ندارد و این به دلایلی چون حفظ مصلحت اجتماع و تقدم آن بر منافع فردی است؛ اما بر این اصل، استثناهایی وارد است. تعدد اندیشه‌های فردگرایانه اخیر، خواه ناخواه قانون‌گذاران را به‌سوی تشریح و تقنین قوانین و مقرراتی منطبق با تفکرات نو و خواسته اجتماع هدایت کرده و سیاست جنایی را در طریقی که متضمن عنایت کامل به شخصیت مجرمان و البته بیشتر میل به هدف ذهنی مجازات، یعنی اجرای عدالت باشد، سوق داده است. در نتیجه این اندیشه‌های جدید در رابطه با سوءنیت و انگیزه، دو طرز

۱. برگرفته از مقاله جایگاه انگیزه در حقوق جزا منتشر شده در سایت پروژه.

تفکر ارایه شده است؛ دانشمندان مکتب کلاسیک معتقدند که انگیزه نباید تاثیری در زوال مسئولیت داشته باشد؛ در واقع در تعیین مسئولیت بیشتر به عمل ارتكابی توجه دارند تا به مرتکب. برعکس طرفداران مکتب تحقیقی، معتقدند آنچه برای جامعه و نظم آن خطر دارد، همان شخصیت مجرم است نه عمل ارتكابی؛ و چون انگیزه یکی از عوامل تعیین کننده شخصیت است، بنابراین به طور منطقی نباید در تحقق جرم از آن چشم پوشید. طبق اصل کلی، هرچند انگیزه در تحقق جرم تاثیر ندارد، اما در مواردی با وصف آن که ارکان سه گانه جرم محقق است، ولی انگیزه باعث می شود که وصف مجرمانه از عمل گرفته شود و یا به عملی وصف مجرمانه داده شود. تطبیق مجازات با شخصیت واقعی و حقیقی مجرمان، یکی از هدف های پیشرفته حقوق جزا است که با تشکیل پرونده شخصیت که از پیشنهادهای مکتب دفاع اجتماعی نوین است، اثر انگیزه در ارتكاب جرم و میزان مجازات بررسی می شود.

تاثیر انگیزه در حقوق جزا، از یک طرف ریشه در اخلاق و وجدان جمعی دارد؛ زیرا ارزش اخلاقی همه اعمال انسانی، کاملاً به انگیزه هایی بستگی دارد که از ابتدا موجود بوده اند و این چنین است که انگیزه ها از نقطه نظر فردی و درونی به عنوان یک معیار برای ارزش اخلاقی عمل یا اهمیت آن محسوب می شوند. وجدان جمعی و افکار عمومی نیز قابل به تفکیک بین انگیزه های شریف و پست هستند و خواستار تشدید مجازات نسبت به مجرمانی که دارای انگیزه های پست و زنده ای هستند، است و با مجرمانی که دارای انگیزه های نیکو و شرافتمندانه ای بوده اند، احساس همدردی نموده، خواستار بخشش و گذشت و یا تخفیف و تعدیل مجازات نسبت به آنها هستند و از طرف دیگر، تحت تاثیر و نفوذ جرم شناسی است که در حقوق کیفری برای تعیین مسئولیت بزهکار، به شناسایی شخصیت مجرم توجه خاصی مبذول می شود؛ زیرا جدایی شخصیت انسان از اعمالش به هیچ وجه صحیح نیست. انگیزه که جزئی از شخصیت فرد را تشکیل می دهد، در ارتكاب عمل مجرمانه نقش موثری دارد. بدین ترتیب لازم است که به انگیزه در مرحله دادرسی و تعیین جرم و مجازات توجه بیشتری شود تا مجازات متناسب با شخصیت واقعی آنان باشد (قمری و حاجی ده آبادی، ۱۳۹۷، ص ۱).

تفاوت قصد و عمد با انگیزه: از بیان بالا تفاوت قصد و عمد (سوءنیت) با انگیزه مشخص می‌شود. انگیزه، مقصد نهایی و هدف اصلی مجرم از ارتکاب جرم و ممکن است در جرائم مختلف به صورت‌های متفاوت منظور شود. حال آن‌که عمد همان اراده رسیدن به نتیجه نامشروع است که همواره در حقوق کیفری یکسان است (علی‌آبادی، ۱۳۵۳، ص ۶۳). پس قصد، نتیجه بلافاصله فعل است ولی انگیزه و داعی، هدف نهایی و منظور، به‌طور نسبی بعید فاعل است (اردبیلی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۰). همچنین همان‌طور که به آن اشاره می‌شود، وجود سوءنیت در تمام جرائم باستانی جرائم اخلاقی و جرائم ناشی از بی‌احتیاطی ضروری است و بدون آن مرتکب قابل تعقیب نیست (علی‌آبادی، ۱۳۵۳، ص ۶۱) حال آنکه انگیزه هیچ تأثیری در تحقق جرم ندارد.

بر فرض مثال درباره شخصی که به طمع بردن مال دیگری و یا به خاطر ترحم بر شخص مریض اقدام به کشتن فردی می‌کند، قصد کشتن (سوءنیت)، نتیجه مستقیم و بلافاصله عمل و بردن مال یا ترحم، انگیزه فرد در کشتن مقتول است، همچنین در اینجا قصد کشتن (سوءنیت)، از عناصر تشکیل‌دهنده جرم بوده و با تحقق آن فرد به علت ارتکاب جرم قتل به مجازات و قصاص محکوم می‌شود، ولی انگیزه فرد (بردن مال دیگری یا ترحم) تأثیری در تحقق جرم و اجرای قصاص ندارد.

نقش انگیزه در تحقق جرم: با توجه به مطالب بالا در اصل انگیزه تأثیری در تحقق جرم ندارد و وجود قصد و سوءنیت به‌عنوان عنصر معنوی جرم، بدون تأثیر انگیزه در آن، برای تحقق جرم کافی است، اما با این همه تأثیر نداشتن انگیزه در جرم مطلق نیست. در مواردی حتی با تحقق ارکان سه‌گانه جرم، انگیزه باعث زوال وصف مجرمانه می‌شود. از نظر عده‌ای که فلسفه عدم مجازات، در عوامل موجهه جرم را، منافع اجتماعی یا اجتماعی نبودن انگیزه می‌دانند، نه زائل شدن عنصر معنوی، انگیزه نقش اساسی در مشروعیت عمل دارد (افراسیابی، ۱۳۷۶، ص ۳۱۲)؛ بنابراین طبق این نظر در حالت ضرورت (ماده ۵۵ ق.م.ا)، امر آمر قانونی (ماده ۵۶ ق.م.ا) و دفاع مشروع (ماده ۶۱ و ۶۲ ق.م.ا) انگیزه مثبت مجرم

موجب زوال مسئولیت کیفری جرم می‌شود. جرائم متعددی نیز وجود دارد که سوءنیت خاص یا انگیزه یکی از ارکان تشکیل جرم بوده و یا میزان مجازات‌های مقرر بر حسب انگیزه، پیش بینی شده، در این گونه موارد عنصر مادی جرم، عبارت است از سوءنیت به‌علاوه انگیزه خاص (افراسیابی، ۱۳۷۶، ص ۳۱۱).

به طور مثال به موجب ماده ۱۸ قانون مبارزه با مواد مخدر (مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام): «هرگاه محرز شد که شخصی با انگیزه و به قصد معتاد کردن دیگری باعث اعتیاد وی به مواد مخدر در ماده ۸ شده است برای بار اول به ۵ تا ۱۰ سال حبس و برای بار دوم تا ۲۰ سال حبس و در صورت تکرار به اعدام محکوم خواهد شد».

در این ماده قانون‌گذار مجرّد فراهم کردن مواد مخدر را برای تصرف دیگری کافی نمی‌داند بلکه تصریح می‌کند که مقصود فاعل از این عمل باید معتاد کردن مصرف‌کننده به مواد مخدر باشد تا بتوان او را بر حسب مورد به یکی از مجازات‌های مقرر در ماده محکوم کرد و یا ماده ۶۹۸ ق.م.ا بیان می‌کند: «هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکوائیه یا مانند آن، اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را بر خلاف حقیقت رأساً یا به‌عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی، تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم شود». این ماده جرم نشر اکاذیب را علاوه بر علم مرتکب به کذب بودن اظهارات به انگیزه یا داعی مجرم یعنی اضرار به غیر نیز توجه خاص کرده و آن را شرط تحقق جرم دانسته بنابراین اگر اظهار کذب یا اسناد اعمالی برخلاف واقع، مقرون به انگیزه مذکور نباشد در حدود این ماده قابل مجازات نیست (اردبیلی، ۱۳۷۵، ص ۲۴۱).

در مواردی نیز تأثیر انگیزه در تحقق جرم به میزانی است که احتمال جرم بودن عمل را به کلی منتفی می‌سازد، به‌عنوان مثال طبق حکم شماره ۲۳۰-۳۷/۱/۲۷ دیوان عالی کشور:

«مستنبط از قانون منع کشت خشخاش جلوگیری از استعمال مواد افیونی به منظور تکلیف و در حقیقت منع از اعتیاد به آن است و استعمال مواد مزبور به طور مطلق جرم شناخته نشده، از این رو کسی که به قصد خودکشی تریاک استعمال کند مجرم محسوب نمی‌شود» (اردبیلی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۱).

نقش انگیزه در میزان مجازات: در برخی کشورها نوع مجازات‌های تحمیلی بر حسب انگیزه مرتکب جرم فرق می‌کند، این نوع تمیز و تفکیک مجازات‌ها به نظام مجازات‌های موازی معروف است و مطابق آن چنانچه داعی و انگیزه مرتکب جرم شرافتمندانه باشد، مجازات تحمیلی نیز شرافتمندانه است (مجازات غیر ترذیلی) و اگر داعی پست و زننده باشد مجازات تحمیلی باعث هتک آبرو و حیثیت مرتکب جرم خواهد شد (مجازات‌های ترذیلی) (صانعی، ۱۳۷۲، ص ۳۱۵).

این نظام مجازاتی مقبول قانون جزای سال ۱۹۰۲ نروژ (ماده ۲۴) و قانون جزای سال ۱۹۳۶ کوبا (ماده ۵۵) قرار گرفته (صانعی، ۱۳۷۲، ص ۳۱۲). در کشور فرانسه نیز با آنکه این سیستم به طور کامل مقبول واقع نشده ولی در سیستم اجرای مجازات جرائم عمومی و جرائم سیاسی وجود دارد و مجرمان سیاسی از مواردی مثل پوشیدن لباس زندان و کارکردن در زندان معاف هستند و عفو آنان تابع کلی عفو نیست (صانعی، ۱۳۷۲، ص ۳۱۵). همان‌طور که واضح است تفاوت عمده جرائم سیاسی و عمومی، انگیزه است؛ در ایران نیز این نوع نظام مجازاتی پذیرفته نشده اما قانون‌گذار با پیش‌بینی راهکارهایی سعی در تأثیر انگیزه در میزان مجازات کرده است.

نقش انگیزه در اعمال کیفیت مخففه: قانون‌گذار این اختیار را به قاضی داده تا با توجه به انگیزه شرافتمندانه مجرم در ارتکاب جرم میزان مجازات مجرم را حتی به میزان کمتر از حداقل مجازات مشخص شده درباره همان جرم تعیین کند و یا حتی گاهی ماهیت آن مجازات را هم تغییر دهد (صانعی، ۱۳۷۲، ص ۳۱۴). ماده ۲۲ ق.م.ا به همین موضوع اشاره می‌کند: «دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعریزی و یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا

تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسب‌تر به حال متهم باشد»، جهات مخففه عبارت‌اند از: «اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تأثیر آن‌ها مرتکب جرم شده است، از قبیل رفتار و گفتار تحریک‌آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم».

نقش انگیزه در تعلیق مجازات: علاوه بر موضوع‌های یادشده در تمام محکومیت‌های تعریزی قاضی می‌تواند مجازات را با احراز شرایطی از ۲ تا ۵ سال معلق کند، ماده ۲۵ ق.م.ا در همین رابطه بیان می‌کند: «کلیه محکومیت‌های تعریزی و بازدارنده، حاکم می‌تواند اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را با رعایت شرایط زیر از ۲ تا ۵ سال معلق نماید.» «دادگاه با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را مناسب نداند». قانون‌گذار با تعبیر عام «اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده»، به قاضی اجازه داده است در ضمن توجه به وضع عینی رویداد جنایی و میزان تأثیر عوامل گوناگون در ارتکاب جرم برای تحقق اهداف تأسیس تعلیق مجازات، وضع نفسانی و محرک‌های روانی بزهکار را در نظر بگیرد (اردبیلی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۲).

بحث و نتیجه‌گیری

انگیزه یا داعی شبیه به جهت است در معاملات مدنی. انگیزه کنش‌های خودآگاه یا ناخودآگاهی است که فرد را به سوی ارتکاب جرم سوق می‌دهد. عامل اصلی ارتکاب جرم همان انگیزه است.

الف- انگیزه و قصد مجرمانه (سوء نیت عام) از این جهت که عنصر معنوی هستند شبیه یکدیگر هستند، اما تفاوت اساسی با هم دارند؛ زیرا یکی از آنها رکن جرم است و دیگری خارج از ارکان جرم است و در مقام رسیدگی به جرائم باید دقت فراوان مبذول داشت تا انگیزه ارتکاب جرم با قصد مجرمانه اشتباه نشود.

ب- از دیدگاه حقوقی اصل بر آن است که انگیزه، هیچ تأثیری در مسئولیت کیفری و

عنوان مجرمانه و مجازات نداشته باشد مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد؛ اما از دیدگاه جرم‌شناسی، انگیزه تأثیر زیادی در مسئولیت کیفری دارد و حتی انگیزه شرافت‌مندانه، قصد مجرمانه را زایل می‌کند.

ج- سیستم حقوقی اسلام، قواعد عمومی مربوط به انگیزه را فقط درباره جرائم مستوجب تعزیر برقرار می‌داند و در جرائم دیگر باید به مقررات تصریح‌شده شرعی عمل کرد.

د- بسیاری از قواعدی که در حقوق موضوعه کیفری با عناوین خاصی همچون عذر قانونی، دفاع مشروع، اضطرار، اطاعت از امر آمر قانونی و مانند آن، شناخته می‌شوند در حقیقت به مسئله انگیزه مربوط می‌شوند.

ه- در بسیاری از مواد قانونی که قصد خاصی برای تحقق جرم پیش‌بینی شده است، درحقیقت مصادیقی از انگیزه هستند، هرچند ممکن است با نام سوءنیت خاص یا نام دیگری از آنها یاد شود.

و- رابطه میان انگیزه سوء و سوءنیت خاص را می‌توان رابطه عموم و خصوص مطلق دانست. با این توضیح که هرگاه انگیزه مجرمانه خاصی را قانون‌گذار جزء ارکان جرم قرار داده باشد، سوءنیت خاص تلقی می‌شود. انگیزه شرافتمندانه و انگیزه‌ای که جزء ارکان جرم نیست با سوءنیت رابطه‌ای ندارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۴): *حقوق جزای عمومی*. جلد اول. چاپ هشتم. تهران: میزان.

استرکی، اکبر؛ قنبری، حبیب و خراسانی، اسماعیل. (۱۳۹۹). *بررسی جرائم و تخلفات کارکنان ناجا ناشی از فضای مجازی*. دانشکده علوم و فنون اطلاعات و آگاهی. پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت حفاظت اطلاعات. تهران.

افراسیابی، محمداسماعیل. (۱۳۷۶). *حقوق جزای عمومی*. جلد اول. چاپ دوم. تهران: انتشارات فردوسی.

- جیشانیپور، هادی. (۱۳۹۵). *جرایم مطلق و مقید و مبانی و مصادیق آن*. اولین کنفرانس ملی حقوق و علوم جزا. تهران.
- ربیع، ناصر. (۱۳۸۴). بررسی وضعیت اجتماعی، اقتصادی زنان مجرم و بزهکار در شهر تهران. *مجله اصلاح و تربیت*، ۴(۵۰)، صص ۴۲-۴۵. قابل بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/960459>
- سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۶). *آسیب‌شناسی اجتماعی جامعه‌شناسی*، انحرافات اجتماعی. تهران: سمت.
- شامیاتی، هوشنگ. (۱۳۸۷). *حقوق جزای عمومی*. جلد اول. چاپ نهم. تهران: انتشارات ژوبین.
- صانعی، پرویز. (۱۳۷۲). *حقوق جزای عمومی*. جلد اول. چاپ پنجم. تهران: انتشارات گنج دانش.
- علی‌آبادی، عبدالحسین. (۱۳۵۳). *حقوق جنایی*. جلد اول. چاپ پنجم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عمید، حسن. (۱۳۸۶). *فرهنگ فارسی عمید*. جلد دوم. چاپ یازدهم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- غفاری چراتی، صالح و سعید اکرادی. (۱۳۹۵). *معیارهای احراز جرایم مطلق و مقید*. تهران: سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران.
- قجاوند، کاظم. (۱۳۸۸). کلیات جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. *مجله اصلاح و تربیت*، ۸(۹۳)، صص ۳۱-۳۶. قابل بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/588499>
- قمری، مسعود و محمدعلی حاجی ده‌آبادی. (۱۳۹۷). *جایگاه انگیزه در میان عوامل تشکیل‌دهنده جرم*. کنفرانس ملی اندیشه‌های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری مطالعات حقوقی و اجتماعی.
- کلانتری، کیومرث؛ قدسی، ابراهیم و صفریان برمی، محمدرضا. (۱۳۸۵). *جایگاه انگیزه در حقوق کیفری ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه مازندران. دانشکده حقوق و علوم سیاسی. مازندران.
- کی‌نیا، مهدی. (۱۳۷۴). *مبانی جرم‌شناسی*. جلدهای اول و دوم. تهران: دانشگاه تهران.
- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۱). *قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح در نظم حقوقی کنونی*. تهران: انتشارات جنگل جاودانه.
- محسنی، مرتضی. (۱۳۷۵). *حقوق جزای عمومی*. جلد دوم. چاپ اول. تهران: انتشارات گنج دانش.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۴). *تغییرات جامعه‌شناسی جنایی*. تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- هوشی و رزل، خدیجه. (۱۳۹۴). *انگیزه در روان‌شناسی: انگیزه شغلی و انگیزه در تبهکاری و جرم*. دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.